

کتاب اول

از نو، با تو

...

## نقطه نه؛ علامت سؤال

بن بست هاگهی ساخته خیال ماست

عوامل تزلزل بنیان خانواده  
و راه های پیشگیری از آن

...

سبک زندگی، انتخاب نادرست همسر،  
دخالت خانواده ها، ضعف اقتصادی، اعتیاد



...

کرم از نگاهت می‌بارید.  
سُخاوت، هستی‌اش را وام‌دار دست تو بود.  
هر بار نفس کشیدنت،  
ترجمان تازه‌تری بود از مهربانی.  
در صورتت، هم جبروت علی علیه السلام را می‌شد به تماشا ایستاد  
و هم ملکوت فاطمه علیها السلام را.  
و کاش کسی برای من حل می‌کرد این معما را:  
این همه کرم و سُخاوت و مهربانی،  
چرا نرم نکرد دل همسرت را؟

سردار صفین، امام امام حسین علیه السلام  
پیشوای کرامت، حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام

تقدیم به

## فهرست از نوباتو/ کتاب اول

- ۱۵ مقدمه
- ۱۹ درآمد
- ۱۹ چرا باید درباره طلاق حرف زد؟

### بخش اول

هتک و ترک زندگی با سبک زندگی (طلاق و سبک زندگی)

### بخش دوم

انتخاب های انتحاری (طلاق و انتخاب نادرست همسر)

- ۴۰ الف) انتخاب های احساسی
- ۴۴ ب) تفسیر غیر دینی کفویت
- ۴۴ ۱. کفویت در قیافه
- ۴۸ ۲. تناسب اقتصادی میان خانواده ها
- ۴۸ ۳. حساسیت بیش از اندازه روی شغل پدر
- ۴۹ ۴. شغل ثابت داشتن پسر
- ۵۰ ۵. تناسب تحصیلی
- ۵۰ ۶. وسواس در سلامت جسمانی

### پرسش های شما

- ۵۵ نقش ازدواج های اجباری در طلاق
- ۵۵ این، آری، این، هرگز
- ۵۶ مشکلات «این هرگز» ی ها

|      |                                                   |
|------|---------------------------------------------------|
| • ۵۷ | آمار طلاق و ازدواج های اجباری                     |
| • ۵۸ | چند جمله یاپدر و مادرها                           |
| • ۶۳ | ازدواج و فرار از خانواده                          |
| • ۶۳ | از چاله در آمدن و به چاه افتادن                   |
| • ۶۴ | سخنی با والدین                                    |
| • ۶۷ | مداخله در ازدواج به جای مداخله در طلاق            |
| • ۶۷ | درست ازدواج کردن لازمه درست زندگی کردن            |
| • ۷۱ | اصلاً شناخت ممکن هست؟                             |
| • ۷۱ | شناخت عمومی و شناخت خصوصی                         |
| • ۷۳ | نکاتی که باید در عقد محرمیت مراعات کرد            |
| • ۷۵ | صداقت، راه کوتاه شناختن و شناساندن                |
| • ۷۷ | عقد موقت برای شناخت بیشتر؟                        |
| • ۷۷ | توجه به آمار و تبعات طلاق                         |
| • ۸۱ | عدم تناسب این راه کار با فرهنگ جامعه              |
| • ۸۲ | عقد محرمیت و برانگیخته شدن احساسات                |
| • ۸۲ | عدم جسارت برای جدا شدن در دوران نامزدی            |
| • ۸۵ | یاد زین زشت بگیریم؟                               |
| • ۸۵ | در نظر گرفتن قیافه یا محوریت آن؟                  |
| • ۸۵ | محوریت قیافه یا در نظر گرفتن برآیند شخصیت؟        |
| • ۸۹ | آفت مقایسه برای کسانی که قیافه همسرشان معمولی است |
| • ۸۹ | زیبایی تکراری می شود                              |
| • ۹۰ | تذکری به خانم ها                                  |
| • ۹۱ | تذکری به آقایان                                   |
| • ۹۳ | با ملاک های ظاهری چه باید کرد؟                    |
| • ۹۳ | با معیار های اشتباه چه کنیم؟                      |
| • ۹۴ | وظیفه خانواده ها در برابر این معیارها             |
| • ۹۷ | چگونه تحقیق کنیم؟                                 |
| • ۹۷ | شیوه پرسش                                         |
| • ۹۸ | میدان تحقیق                                       |
| • ۸۹ | ۱. همسایه ها                                      |
| • ۹۸ | ۲. رفقا                                           |
| • ۹۸ | ۳. معلمان و استادان                               |
| • ۹۸ | ۴. مدیریت مدرسه و دانشگاه                         |
| • ۹۹ | ۵. هم اتافی                                       |
| • ۹۹ | ۶. همکار                                          |
| • ۹۹ | ج) فرد تحقیق کننده                                |

- ۹۹ (د) زمان تحقیق
- ۱۰۱ بامشکل تظاهر چه باید کرد؟
- ۱۰۱ «شناخت صد در صد» خرمای بر نخیل است
- ۱۰۲ تحقیق از اعضای خانواده را جدی بگیریم
- ۱۰۳ آیا اگر مشروب هم می خورم، بگویم؟
- ۱۰۵ یا سرزنش های پس از گفتن حقیقت چه باید کرد؟
- ۱۰۵ فرصت انتخاب واقع بینانه
- ۱۰۶ تفاوت در حساسیت ها
- ۱۰۷ زمان مطرح کردن
- ۱۰۹ صداقت و پاسخ منفی شنیدن
- ۱۱۱ آیا تن دادن به ازدواج خیابانی و طلاق گرفتن، بهتر از ازدواج نکردن نیست؟
- ۱۱۱ استدلال منطقی یا اعتراض به وضع موجود؟
- ۱۱۲ قضاوت صحیح در باره ازدواج های خیابانی
- ۱۱۳ بهترین راه، کنار گذاشتن سخت گیری است
- ۱۱۵ دوست بودیم، ازدواج کردیم الآن هم موفقیم
- ۱۱۷ ازدواج سنتی کردم و شکست خوردم
- ۱۱۹ روابط دختر و پسر در روان شناسی غربی و تربیت دینی
- ۱۲۵ دلهره ازدواج
- ۱۲۵ دلهره خوب، دلهره بد
- ۱۲۶ راه رهایی از ترس
- ۱۲۷ بالاخره ازدواج را آسان بگیریم یا سخت؟
- ۱۳۱ نگاه بد مردم به مشاوره قبل از ازدواج
- ۱۳۱ پاک کردن صورت مسئله، ممنوع
- ۱۳۲ فرهنگ سازی یا درایت
- ۱۳۲ مشورت یا مشاوره رسمی
- ۱۳۲ اجباری شدن مشاوره قبل از ازدواج
- ۱۳۵ مشاوره و افزایش آمار طلاق
- ۱۳۵ نگاه غربی به طلاق
- ۱۳۷ نگاه دینی به طلاق
- ۱۴۱ عدم واقع گرایی در ازدواج
- ۱۴۵ احساس شکست از ازدواج زود هنگام
- ۱۴۵ اوضاع خانه و جامعه ای که درس برای زن، همه چیز است
- ۱۴۷ دیدن نداشته ها و ندیدن داشته ها
- ۱۴۹ رابطه شکست و پیروزی با داشته ها و نداشته ها
- ۱۵۲ نداشته هایی که برای خودشان داشته هایی هستند
- ۱۵۵ تأخیر ازدواج فرزند به جهت کوچک شمردن او

- ۱۵۵ یک اشتباه بزرگ
- ۱۵۶ پتک خطرناک تحقیر
- ۱۵۹ ازدواج به امید تغییر
- ۱۵۹ امید به تغییر، پایه‌ای متزلزل
- ۱۶۰ تلاش برای باقی ماندن خوبی‌ها
- ۱۶۳ طلاق و فساد عامل عدم رغبت به ازدواج
- ۱۶۳ طلاق و فساد دوله یک قیچی
- ۱۶۴ بالا رفتن سن ازدواج و تیزتر شدن این قیچی
- ۱۶۵ نوکل چیست؟

### بخش سوم

دلالت و دل سوزی؛ دخالت و زندگی سوزی (طلاق و دخالت خانواده‌ها)

- ۱۷۲ نحوه تنگ‌دادن
- ۱۷۴ فرق دخالت و مشورت
- پرسش‌های شما
- ۱۷۹ اصرار خانواده به طلاق
- ۱۸۳ آیا این مباحث هجمه به جایگاه پدر و مادر نیست؟
- ۱۸۳ احترام به والدین، خط قرمز دین
- ۱۸۴ نقش دخالت نکردن در حفظ جایگاه والدین
- ۱۸۹ بچه‌ها در برابر دخالت والدین چگونه برخورد کنند؟
- ۱۸۹ غرور، پرتگاه زندگی
- ۱۹۰ طرز برخورد با حرف‌های درست و نادرست والدین
- ۱۹۲ دخالت و امتحان محبت
- ۱۹۵ نکند نقش پررنگ مادر شوهر در تربیت عروس را فراموش کرده‌اید؟
- ۱۹۵ الگو گرفتن، وظیفه کوچک‌ترها؛ مهربانی، وظیفه بزرگ‌ترها
- ۱۹۶ تربیت عملی یا تربیت گفتاری؟
- ۱۹۹ دلیل دخالت بیشتر مادر شوهر
- ۲۰۱ آیا به جوان‌ها راه بیرون کردن خانواده شوهر از زندگی را نشان می‌دهید؟
- ۲۰۱ امکان سوء استفاده از هر سخنی
- ۲۰۱ جانبداری غیر منطقی؟!۱
- ۲۰۲ قضاوت منصفانه
- ۲۰۲ قانون بین المللی اخلاق
- ۲۰۵ آیا والدین را باید پرهیمنس‌تر جیح داد؟
- ۲۰۵ چرا «یا این یا آن»؟
- ۲۰۶ پرهیز از حرف‌های عوامانه

- ۲۰۶ خودمان عامل تقابل میان خودمان و خانواده همسر باشیم
- ۲۰۹ شما دخالت‌های مذهبی را هم نمی‌کنید؟
- ۲۰۹ چرا فرزندان همسری با فرهنگ متفاوت انتخاب کرد؟
- ۲۱۱ قضاوت درباره برخورد‌های چکشی
- ۲۱۲ چه باید کرد؟
- ۲۱۵ امر به معروف چه می‌شود؟
- ۲۱۵ جایگاه احتمال تأثیر در امر به معروف و نهی از منکر
- ۲۱۶ نقش دوستی در تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر
- ۲۱۸ دعوت با رفتار
- ۲۱۹ نقش پاکی ما از گناه در تأثیرگذاری روی دیگران
- ۲۲۱ آیا با گناهکار هم باید خوش رفتار بود؟
- ۲۲۱ نسبت رفتار خوش با تشویق به گناه
- ۲۲۳ محوریت با اصلاح
- ۲۲۵ شما از بی حجاب‌ها دفاع می‌کنید
- ۲۲۵ پرهیز از نگاه‌های سطحی
- ۲۲۷ پرهیز از قضاوت‌های نادرست
- ۲۲۹ آیا رفاقت با فرزندان باعث از بین رفتن احترام نمی‌شود؟
- ۲۲۹ کار قدیمی‌ها، درست یا نادرست؟
- ۲۳۰ حفظ احترام با رابطه عاطفی

#### بخش چهارم

فقر و ستون فقرات زندگی (ضعف اقتصادی و طلاق)

- ۲۳۶ اقتصاد، نیازهای کاذب و تزلزل

#### پرسش‌های شما

- ۲۴۱ دیگر عوام‌فریبی بیس است!
- ۲۴۱ مشکلات اقتصادی قابل انکار نیست
- ۲۴۲ تغییر نگاه به دنیا یا بالا رفتن سطح اقتصادی
- ۲۴۳ مادعوت به فقر نمی‌کنیم
- ۲۴۷ چشم و هم چشمی
- ۲۴۷ چشم و هم چشمی چیست؟
- ۲۴۷ چرا چشم و هم چشمی؟
- ۲۴۸ الف) ناشکری و مقایسه با بالاثیر
- ۲۴۸ ب) تعریف نادرست از عزت
- ۲۵۱ ج) حسادت
- ۲۵۱ د) کوچک بودن شخصیت

- ۲۵۲ هم‌تربیت خانوادگی
- ۲۵۲ وا تغییر دیدگاه
- ۲۵۳ زا فراموش کردن هدف خلقت
- ۲۵۴ تذکری به نروتمندان
- ۲۵۵ تأثیر تربیت بر ناتوانی در برابر مشکلات اقتصادی
- ۲۵۵ نگاه اشتباه ما به سختی
- ۲۵۶ نگاه اشتباه ما به خدمت
- ۲۵۸ اشتباه در روش کمک کردن
- ۲۵۹ آیا دیروز و امروز قابل مقایسه است؟
- ۲۵۹ مقایسه سبک زندگی امروز و دیروز
- ۲۶۰ پتک تغییر زمانه
- ۲۶۱ نگاه صحیح به فقر و فقیر
- ۲۶۲ مقصود از حل ریشه‌ای
- ۲۶۳ بحث ما تحلیل اقتصاد کشور نیست
- ۲۶۳ زندگی صوفیانه ممنوع
- ۲۶۵ شما قبول ندارید که خلاهای دیگر زندگی را با پول می‌شود پر کرد؟
- ۲۶۹ الگوسازی، لازمه تغییر دیدگاه مردم
- ۲۶۹ تربیت الگویی، روش تربیت دینی
- ۲۷۰ خودمان الگو شویم

### بخش پنجم

زندگی روی پایه‌های دود (اعتیاد و طلاق)

- ۲۷۳ نگاهی کلی به اعتیاد در کشور
- ۲۷۴ تأثیر اعتیاد در زندگی
- ۲۷۶ سخت بودن زندگی با یک فرد معتاد
- ۲۷۷ مصاحبه با آقا مصطفی معتادی که پس از بیست سال ترک کرد

### پرسش‌های شما

- ۲۹۵ استثنای قابل تعمیم نیست
- ۲۹۵ برخورد اشتباه با شکست‌ها و پیروزی‌ها
- ۲۹۷ راه درست چیست؟
- ۲۹۹ مگر اعتیاد بیماری است؟
- ۲۹۹ اعتیاد، جرم یا بیماری؟
- ۳۰۰ معتاد علاقه به ترک دارد، اراده‌اش را ندارد
- ۳۰۳ چرا تحتل اعتیاد را به خانواده‌ها آموزش می‌دهید؟
- ۳۰۷ چرا خانواده‌ها را با حرف‌های احساسی تحریک می‌کنید؟

- ۳۰۷ کدام منطق، کدام احساس؟
- ۳۰۹ زن پس از طلاق چه کند؟
- ۳۱۰ همه را با یک چشم نگاه نکنید
- ۳۱۰ تشویق به اعتیاد؟
- ۳۱۳ کدام عقل سلیم فدا شدن یک خانواده به پای یک معتاد را می‌پذیرد؟
- ۳۱۳ تغییر نوع نگاه به نجات معتاد
- ۳۱۵ چرا برگشت به اعتیاد؟
- ۳۱۷ چرا این قدر بحث؟ مگر چند درصد از جامعه معتادند؟
- ۳۱۷ دقت بیشتر در آمار
- ۳۱۸ عزم ملی و حل معضل اعتیاد
- ۳۲۱ منابع

احترام داشت؛ به اندازه‌ای که کسی جرئت نداشت با چشم چپ نگاهش کند. محبوب بود؛ به قدری که جوان دوست داشت زودتر تشکیلش دهد. امن بود. وقتی پیشش بودی، آرام می‌گرفتی. استوار بود. قامت کوه خم می‌شد؛ اما خم به ابرویش نمی‌آمد.

خواهیدیم، یک روز، بیشتر و کمترش را نمی‌دانم؛ اما همین که بیدار شدیم، دیدیم ذلیل شده، به اندازه‌ای که حرمتش را هتک می‌کنند و کسی لب به اعتراض باز نمی‌کند. منفور شده، به قدری که جوان فرار می‌کند از آن. دیگر امنیت ندارد. وقتی کنارش هستی، فکر می‌کنی الآن زلزله به پا می‌شود. دیگر استوار نیست و به مویی بنداست.

مگر دیروز تا امروز چه رخ داده که از آن بالاها به این پایین‌ها رسیده خانواده ۱۹ باید چشم را باز کرد. از این خمودگی بیرون آمد و دید سبک زندگی ما، چه بلایی بر سر خانواده آورده.

ازدواج می‌کنیم؛ اما گویی می‌خواهیم هم‌بازی انتخاب کنیم، نه همسر و هم‌سفر. به جای این که دیده‌بان تیزبین زندگی خویش باشیم، سر می‌دوانیم در زندگی این و آن. به اسم دلالت و دلسوزی، دخالت می‌کنیم و زندگی‌ها را به آتش می‌کشیم. همه چیزمان را

بسته‌ایم به پول. وقتی که پولمان کم می‌شود، راه نفَسِ زندگی بسته می‌شود. زیاد هم که می‌شود، سدّ نگاهمان می‌شود؛ گویی چیزی به جز پول، در این عالم نیست و امان و صد امان از دودهایی که مثل گردباد، دور خانواده می‌چرخند و بی امان خراب می‌کنند بنا و مبنای زندگانی را.

خدایا! تو خانواده را دوست داری؛ اما امروز خانواده، حال خوشی ندارد. ای طبیب دردهای بی درمان! شفا بده محبوب خویش را و دو باره او را برای ما محترم و محبوب کن. سایهٔ امنش را روی سرمان گسترده نگاه دار و قامتش را همیشه استوار. آمین!

\*\*\*

همان طور که پس از این خواهید خواند، در چند سال اخیر، رشد فزایندهٔ طلاق شکل معناداری به خود گرفته؛ چندان که به جرئت می‌توان ادعا کرد این رشد، از مرز هشدار عبور کرده و در حال نزدیک شدن به مرز بحران است. مجموعهٔ از نو، با تو بر آن است تا علاوه بر ریشه‌یابی آمار فزایندهٔ طلاق، راه کارهای پیش‌گیری از طلاق را نیز بررسی کند. این مجموعه، در چهار کتاب تقدیم شما می‌شود. مجموعهٔ از نو، با تو حاصل ۱۰۶ قسمت از برنامهٔ رادیویی «پرسمان خانواده» در رادیو معارف است. این برنامه‌ها با مشارکت جدی و تأثیرگذار شنوندگان، توانست دلایل افزایش آمار طلاق را به صورت کاربردی بررسی کند.

شیوه‌ای که در این کتاب درپیش گرفته شده، این است که ابتدا یک عامل به صورت مختصر بیان می‌شود و سپس به سؤالات پیامکی و تلفنی شنوندگان در بارهٔ ابعاد مختلف آن عامل، پاسخ

داده می‌شود.

در پایان این مقدمه یادآوری سه نکته را لازم می‌دانیم:

**اول:** ممکن است برخی از مطالبی که در این جا طرح شده، دور از بحث طلاق به نظر برسد؛ اما از آن جا که بنای از نو، با تواین نیست که تنها به مباحث کلی و نظری بسنده کند، خود را موظف به طرح این مباحث می‌داند. مخاطب کتاب وقتی مطالبی را می‌خواند و سؤالاتی برای او پیش می‌آید، باید پاسخ سؤالات خود را بگیرد و گرنه، انگیزه‌اش برای عمل به آنچه خوانده، کم رنگ خواهد شد.

**دوم:** در بسیاری از موارد، خواننده کتاب نیازمند مطالعه دو کتاب دیگر از همین نویسنده است: *تاساحل آرامش* با موضوع گام‌های موفقیت در زندگی مشترک، و نیمه دیگرم با موضوع مهارت‌های انتخاب همسر. ما در بیشترین موارد، تذکر لازم را برای مطالعه این دو مجموعه داده‌ایم؛ اما در مواردی هم عین مطالبی را که نیاز بوده، از آن دو مجموعه به این کتاب منتقل کرده‌ایم. پیشنهاد ما این است که پیش یا پس از مطالعه این کتاب، حتماً کتاب *تاساحل آرامش* را مطالعه کنید. مجزده‌ها هم علاوه بر *تاساحل آرامش*، از مطالعه نیمه دیگرم نیز غافل نشوند. البته ما مطالعه این کتاب را به پدر و مادرائی که فرزندان‌شان در آستانه ازدواج هستند هم پیشنهاد می‌کنیم.

**سوم:** شاید گمان کنید مطالعه کتابی با موضوع طلاق، برای کسانی لازم است که اختلافات جدی در زندگی دارند و یا در آستانه طلاق قرار گرفته‌اند؛ اما به عقیده ما، مطالعه این کتاب برای همه لازم است. مجزده‌ها بخوانند تا بدانند در مسیر زندگی مشترک، چه

عواملی وجود دارد که بنیان خانواده را سست می‌کند تا بتوانند خودشان را برای رویارویی با آن عوامل آماده کنند. همان طور که خواهید خواند، بخشی از این عوامل، مربوط به مرحله انتخاب همسر است. متأهل‌هایی که زندگی آرامی دارند، بخوانند تا اجازه ورود عوامل متزلزل کننده را به محیط خانواده ندهند. متأهل‌هایی که اختلاف‌های جدی دارند، بخوانند تا راهی برای حل اختلاف‌های خود پیدا کنند. کسانی هم که در آستانه طلاق هستند، بخوانند، شاید در تصمیم خویش بازنگری کنند. پدر و مادرها هم از مطالعه این کتاب غافل نشوند تا بتوانند به استحکام هر چه بیشتر زندگی فرزندان‌شان کمک کنند.

در کتابی که پیش روی شماست، به بررسی پنج عامل افزایش طلاق می‌پردازیم. اول: سبک زندگی، دوم: انتخاب نادرست همسر، سوم: دخالت خانواده‌ها، چهارم: مشکلات اقتصادی و پنجم: اعتیاد.

در این جا، از همه کسانی که در تولید این اثر ما را یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌کنیم. در میان همه این افراد، باید به گونه ویژه‌ای، از شنوندگان فهیم رادیو معارف تشکر کنیم که با مشارکت مثال زدن خود، به پویایی هر چه بیشتر این کتاب کمک کردند. امیدواریم که انتشار این مجموعه، قدمی هرچند کوچک در مسیر استحکام بنیان خانواده شمرده شود.

قم، شهر بانوی کرامت

زمستان ۱۳۹۵

محسن عباسی ولد

• درآمد

• چرا باید درباره طلاق حرف زد؟

وقتی درباره طلاق و وضعیت آن در جامعه سخن گفته می شود، برخی به ما ایراد می گیرند که: با این حرف ها امنیت روانی جامعه به هم می ریزد. مردم به ویژه جوانان، با شنیدن این حرف ها دچار یأس و ترس می شوند که در انگیزه آنها برای ازدواج، تأثیر منفی می گذارد. کسانی هم که از خوان ازدواج گذشته اند، نسبت به زندگی خود بدبین می شوند. این بدبینی، اضطرابی را برای آنها تولید می کند که لذت زندگی مشترک را از آنان می گیرد.

در پاسخ به این شبهه، باید گفت: مخفی کردن واقعیت در برخی از موارد، اشکالی ندارد و چه بسا خدمت به فرد یا جامعه شمرده شود؛ مانند مواردی که خطری، فرد یا جامعه را تهدید می کند، اما کاری از دست کسی بر نمی آید و برای پیش گیری از پیش رفت آن هم کاری نمی توان کرد. در این موارد، ضرورتی ندارد که درباره آن خطر صحبت کنیم؛ مثل این که جوانی سرطان گرفته و کاری هم از دست کسی ساخته نیست. در این صورت، اگر به مادر این

جوان نگوییم که فرزندش سرطان گرفته و فقط تا یک ماه دیگر زنده خواهد بود، ایرادی ندارد. همین اندازه که بگوییم: «برای فرزندان دعا کنید»، کافی است؛ اما در موارد بسیاری، هشدار ندادن در باره یک خطر، خدمت نیست، خیانت است. مثلاً یک بیماری واگیردار در شهر در حال افزایش است؛ اما کسی در این میان می‌گوید: «کام مردم شهر را تلخ نکنید و حرفی از این بیماری نزنید». آیا این دیدگاه، صحیح است؟ یعنی برای تلخ نشدن کام مردم، نباید آنها را از خطری که در حال وقوع و قابل پیش‌گیری است، مطلع کرد؟! بی‌تردید، این عقیده اشتباه است. مردم باید بیماری را بشناسند و از خطر آن، به صورت کامل آگاه شوند تا بتوانند خود را در برابر آن ایمن کنند و اگر هم به آن مبتلا شدند، راه مبارزه با آن را یاد بگیرند. این که خیال اهل شهر آسوده باشد، در حالی که خطری در کمین همه آنهاست، یعنی میدان دادن به بیماری برای سرایت بیشتر؛ یعنی ترجیح یک آسایش موقت بر یک آسایش طولانی. کدام عقل سلیمی این دیدگاه را می‌پذیرد؟!۱

امروز در جامعه ما، بیماری طلاق رواج بسیار یافته و حتی حالت مُسری هم به خود گرفته است؛ به طوری که هر سال باید حسرت سال گذشته را خورد؛ روند رشد طلاق، گاهی از ازدواج هم پیشی می‌گیرد. این یک خطر عادی نیست، تهدید است؛ تهدیدی که اگر فکری به حال آن نکنیم، دنیایی از مشکلات تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیتی را برای ما رقم خواهد زد.<sup>۱</sup>

۱. در کتاب چهارم همین مجموعه در بحث تبعات طلاق، به صورت مفصل به این مشکلات خواهیم پرداخت.



روند رشد طلاق گاهی از ازدواج هم پیشی می‌گیرد، این یک خطر عادی نیست؛ تهدید است؛ تهدیدی که اگر فکری به حال آن نکنیم، دنیایی از مشکلات تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و حتی امنیتی را برای ما رقم خواهد زد.

خوب است نگاهی به آمار طلاق بیندازیم و ببینیم در چند سال اخیر، این آمار چه نوساناتی داشته است. آمار طلاق را می‌توان به سه شیوه بررسی کرد. در شیوه اول، آمار طلاق نسبت به جمعیت (نرخ خام طلاق) محاسبه می‌شود که از دقیق‌ترین انواع محاسبه آمار طلاق است. در این شیوه، تعداد طلاق به ازای هر هزار نفر بررسی می‌شود.

در سال ۱۳۵۵ به ازای هر هزار نفر، ۵۳ طلاق ثبت شده و این آمار در سال ۱۳۶۵ به ۷۱ طلاق می‌رسد. در سال ۱۳۷۵، آمار طلاق افت می‌کند و به ۶۳ طلاق به ازای هر هزار نفر جمعیت می‌رسد. در سال ۱۳۹۰، آمار طلاق باز هم رشد می‌کند و به رقم ۱۰۹ می‌رسد. در سال ۱۳۹۲ نیز رشد طلاق ادامه می‌یابد و آمار ۲۰۲ را نشان می‌دهد. سال ۱۳۹۳ نیز همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد تا به عدد ۲۰۹ می‌رسد و در سال ۱۳۹۴ هم رقم ۲۰۷ طلاق برای هر هزار نفر، ثبت می‌شود.<sup>۱</sup>

شیوه دوم محاسبه آمار طلاق، ثبت طلاق به ازای ثبت ازدواج است. با توجه به این شیوه، در سال ۱۳۷۵ به ازای هر صد ازدواج، ۷٫۸ طلاق ثبت شده است. این آمار در سال ۱۳۸۰ به ۹٫۴ رسیده و این گونه ادامه می‌یابد: در سال ۱۳۸۵ به ازای هر صد ازدواج، ۱۲ طلاق و در سال ۱۳۸۷، رقم ۱۲٫۵ طلاق ثبت می‌شود. از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۴ آمار ثبت طلاق در برابر ازدواج این گونه پیش می‌رود:<sup>۲</sup>

۱۴۱:۱۳۸۸

۱. شاخص‌های جمعیتی و آخرین وضعیت سیاست‌های جمعیتی، ص ۳۰.

۲. رک: پایگاه اطلاع‌رسانی ثبت احوال.

۱۵,۴:۱۳۸۹

۱۶,۳:۱۳۹۰

۱۸,۱:۱۳۹۱

۲۰,۰۶:۱۳۹۲

۲۲,۶:۱۳۹۳

۲۳,۸:۱۳۹۴

در شیوه سوم، رشد آمار طلاق نسبت به سال گذشته بررسی می‌شود. در سال ۱۳۸۷، آمار طلاق نسبت به سال پیش از آن، ۱۰,۷ رشد داشته و این رشد در سال ۱۳۸۸ به ۱۳,۸ می‌رسد و این گونه ادامه پیدا می‌کند:<sup>۱</sup>

۹,۱ — ۱۳۷۲۰۰:۱۳۸۹

۴,۱ — ۱۴۲۸۴۱:۱۳۹۰

۵,۲ — ۱۵۰۳۲۴:۱۳۹۱

۳,۳ — ۱۵۵۳۶۹:۱۳۹۲

۵,۲ — ۱۶۳۵۶۹:۱۳۹۳

۰,۱ — ۱۶۳۷۶۵:۱۳۹۴

شما از این آمار چه برداشتی دارید؟ آیا می‌توان از کنار آن به سادگی عبور کرد؟ اگر کاری به این آمار هم نداشته باشید، می‌توانید از میان سالان و سال‌مندی که در اطرافتان هستند، بپرسید تا آنها به شما بگویند که در گذشته، در میان خویشاوندان و آشنایانشان چه تعداد طلاق اتفاق افتاده و هم اکنون چند خانواده را می‌شناسند که طلاق، رشته زندگی آنان را گسسته است.

با توجه به آنچه گذشت، آیا رشد آمار طلاق در کشور ما، نگران کننده نیست؟ اگر شما نیز نگران این وضعیت هستید و بررسی این مشکل را لازم می‌شمارید، کتاب حاضر را بخوانید تا با آگاهی بیشتری به موضوع طلاق بنگرید و در پیش‌گیری از آن بکوشید.